

پیشنهاد شما برای گردهای سوریه در شرایط موجود چیست؟



در راه وطن گوشت دم توپ شوید!

صدای انترناسیونالیستی

توضیح:

سیاست صدای انترناسیونالیستی درج مکاتبات، رسید نامه‌ها یا پاسخ‌های آن‌ها نیست. اما یکی از سوالاتی را که قبلاً برای صدای انترناسیونالیستی ارسال شده بود و با توجه به اهمیت موضوع و در راستای شفاف‌سازی فضای سیاسی، پرسش و پاسخ را درج کرده بودیم، با توجه به مطرح شدن مسله ملی مجدداً باز نشر می‌کنیم.

پرسش:

در کل با نقد شما در مورد حمله ترکیه موافقم. اما پیشنهاد شما برای کردهای سوریه در شرایط موجود چیست؟ در ضمن آن نیروی محرکه انقلاب در سوریه وجود ندارد. در حال حاضر و با ظرف موجود چه باید کرد؟

پاسخ:

قطعاً پاسخ به سوال بالا می‌تواند موضوع نوشته‌های جدی و تحقیقی باشد و جواب کوتاه نمی‌تواند تمامی ابعاد را مورد بررسی قرار دهد. با این حال ما سعی کردیم، جوابی کوتاه که منعکس کننده نظر صدای انترناسیونالیستی باشد داده باشیم.

قبل از هر چیز شفاف‌سازی چند موضوع حائز اهمیت است. انترناسیونالیست‌ها معتقد به انقلاب جهانی (انقلاب کمونیستی) هستند. انقلاب کمونیستی اولین انقلاب در

تاریخ بشریت است که طبقه استثمار شده با آگاهی طبقاتی خود و با شناخت نسبی از روابط تولیدی آینده و برای از بین بردن تناقض بین نیروهای مولده و روابط تولیدی دست به انقلاب می‌زند. انقلاب کمونیستی یک انقلاب جهانی است. به عبارت دیگر انقلاب کمونیستی همچون زمین لرزه سیاسی است که مرکز آن می‌تواند در کشور و یا کشورهایی باشد ولی شرط پیروزی آن گسترش امواج این زمین لرزه سیاسی به سایر نقاط و کشورهاست. در غیر اینصورت همچون انقلاب اکتبر علیرغم جانفشانی‌های پرولتاریای روسیه، انقلاب ایزوله شده و سرانجام رو به انحطاط خواهد گذاشت. روابط تولید سوسیالیستی تنها در مقیاس جهانی امکان پذیر است و نمی‌توان جزایر سوسیالیستی در درون نظام سرمایه‌داری تشکیل داد. به عبارت دیگر ما معتقدیم انقلاب کمونیستی به تنهایی قادر به پیروزی حتی در پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری نیز نیست و از سوی دیگر معتقدیم انقلاب در دستور کار پرولتاریا نه تنها در ایران بلکه در افغانستان و غیره نیز انقلاب کمونیستی است، چرا که انقلاب در ایران، افغانستان، سوریه و دیگر کشورها تنها می‌تواند بخشی از پروسه انقلاب جهانی باشد. مثل موج انقلاب جهانی ۱۹۲۳ - ۱۹۱۷. با این توضیحات صحبت کردن از «نیروی محرکه انقلاب در سوریه» برای ما موضوعیت ندارد، انترناسیونالیست‌ها ضرورت انقلاب را نه از شرایط اجتماعی کشور بخصوصی بلکه

از تکامل سرمایه‌داری جهانی بدست می‌آورند. با ورود سرمایه‌داری به عصر انحطاط خود، نیروی مادی انقلاب کمونیستی مهیا بوده است.

برای ما عنوان «کردهای سوریه» مبهم است، همانطوری که ترک‌های ایران، بلوچ‌های ایران، عرب‌های ایران، فارس‌های ایران و غیره نیز مبهم هستند. هر چهار بخش کردستان که در ایران، عراق، ترکیه و سوریه قرار دارد، جوامعی سرمایه‌داری هستند و روابط کالائی در همه آنها برقرار است. انسانی که در این جوامع دنیا می‌آید قبل از اینکه کُرد باشد، متعلق به طبقه اجتماعی بخصوصی هست. ما سعی می‌کنیم از منظر و منافع طبقه‌ای که به آن تعلق داریم، به حوادث اجتماعی نگاه کنیم، صرف نظر از اینکه به کُردی، تُرکی، انگلیسی، عربی و غیره صحبت کنیم. بر خلاف عوامفریبی‌های جناح‌های راست و چپ سرمایه (از آنارشیست‌ها گرفته تا جریان موسوم به کمونیسم کارگری)، در سوریه، انقلابی در جریان نیست بلکه سوریه به میدان جنگ گانگسترها و تصفیه حساب آنها از یکدیگر تبدیل شده است. چندین سال است که کرکس‌ها برای دریدن لاشه‌ای تحت نام «سوریه» به جنگ کثیف خود ادامه می‌دهند. این جنگ، جنگ جبهه کثیف امپریالیستی است که یکسوی آن آمریکا-عربستان-ترکیه و اقمار آنها و در سوی دیگر آن جبهه سوریه-روسیه-ایران و اقمار این‌ها می‌باشد. این جنگ محصول بحران سرمایه‌داری در حال انحطاط

می باشد که بخاطر آماده نبودن شرایط برای جنگ جهانی، شکل جنگ های منطقه ای بخود می گیرد. در عصر امپریالیسم، سرمایه برای حل بحران خود نهایتاً به راه حل نهائی خود یعنی جنگ متوسل می شود. ما مسئله سوریه را یک پدیده کاملاً مجزا تصور نمی کنیم، پدیده سوریه را نمی توان خارج از شرایط جهانی و توازن قوای طبقات اجتماعی در سطح جهانی درک کرد. اگر مبارزه طبقاتی نه در سوریه بلکه در دیگر کشورها، بخصوص متروپل سرمایه داری حالت تدافعی نداشت، اگر طبقه کارگر جهانی از هویت طبقاتی خود در سطح جهانی عقب نشینی نمی کرد، پدیده سوریه نمی توانست به این شکل انجام بگیرد. سرکوب و تحمیل ریاضت اقتصادی و بدتر از آن تحمیل جنگ به طبقه کارگری که به هویت طبقاتی خود آگاه است، سخت تر خواهد بود.

ما اعلام کرده ایم، جنگ جانین در سوریه، جنگی بر علیه طبقه کارگر بوده است. این جنگ نه تنها مانع شد تا طبقه کارگر سوریه، بخصوص متمرکز در حلب (یکی از قطب های صنعتی سوریه قبل از جنگ)، مبارزه مستقل خود را حول خواست های طبقاتی خود و در راستای منافع طبقاتی به پیش ببرد و به مبارزه طبقاتی دامن بزند بلکه طبقه کارگر را به لحاظ فیزیکی نیست و نابود کرد. آن تعداد هم که موفق به کوچ اجباری شدند، دیگر موقعیت طبقاتی سابق را ندارند، دیگر موقعیت کاری

ندارند. قدرت کارگران در قدرت طبقاتی آنان، در قدرت آنان در اخلال در چرخه انباشت سرمایه، تداوم و تشدید مبارزه طبقاتی و در نهایت در به چالش کشیدن نظام سرمایه‌داری است. کارگری که از موقعیت طبقاتی خود بیرون افتاده، آواره شده، در بدر شده، دیگر آن قدرت را ندارد. با توجه به شرایط سوریه، تنها موضع کسانی انقلابی و انترناسیونالیستی است، چه در داخل سوریه و چه خارج از مرزهای آن، که هر دو جبهه را ارتجاعی ارزیابی کنند، موضعی که انترناسیونالیست‌ها در دوران جنگ جهانی دوم و در انزوای مطلق ارزیابی کردند، هر دو سوی جنگ امپریالیستی را محکوم کردند و سرفرازانه به انترناسیونالیسم وفادار ماندند و در دفاع از موضع انترناسیونالیستی هم تحت تعقیب فاشیست‌ها و نازیست‌ها و هم تحت تعقیب استالینیست‌ها و دمکرات‌ها قرار گرفتند.

آیا مردم برای نجات جان خود حق دفاع ندارند؟ یا اینکه مردم کوبانی و یا هر جای دیگر نباید از خود دفاع کنند؟ آیا برای اینکه مثل گوسفند سرهایشان بریده نشود مجبور به دفاع مسلحانه از خود نیستند؟ آیا اگر خود شما در کوبانی بودید، برای دفاع از خود نمی‌جنگید؟ در چنین شرایطی، مسئله بر سر دفاع از هستی خویش نیست بلکه بر سر این است که چطور طبقه کارگر به گوشت دم توپ بورژوازی در

جنگ گاکسترها تبدیل نشود. رزا لوگزامبورگ این صحنه‌ها را این طور توصیف کرده است:

"اما وقتی که ما قادر نبودیم مانع جنگ شویم و برخلاف خواست ما جنگ بر پا شد و کشور ما با تجاوزی روبرو شد. آیا باید کشورمان را بی دفاع رها سازیم؟ آیا باید آن را بدست دشمن تحویل دهیم؟ آیا مگر سوسیالیسم از حق ملل در تعیین سرنوشت خود دفاع نمی‌کند؟ آیا این به معنای آن نیست که مردم مجازند و حتی وظیفه دارند، از آزادی‌های خود، از استقلال خویش حمایت کنند؟ وقتی خانه‌ی ما آتش گرفته است، آیا نباید ابتدا بیش از آن که آتش افروز را مشخص کنیم، آتش را مهار کنیم؟ این استدلال‌ها بارها و بارها در دفاع از رویکرد سوسیال دموکراسی آلمان و فرانسه تکرار شده است. اما یک نکته را آتش نشان در آتش‌سوزی خانه فراموش کرده است: از نظر سوسیالیست‌ها «دفاع از سرزمین پدری» به این معنا نیست که نقش گوشت دم توپ را تحت فرماندهی بورژوازی امپریالیست ایفاء کند."

مارکس در خطابه‌ی مشهورش به شورای عمومی بین الملل در زمان سقوط کمون پاریس گفت:

"پس از وحشتناک‌ترین جنگ دوران مدرن، ارتش‌های متخاصم، پیروز و شکست خورده دست به دست هم می‌دهند تا پرولتاریا را مشترکا قصابی کنند، مشاهده‌ی این رویداد باورنکردنی، چنانکه بیسمارک می‌خواهد ما باور کنیم ثابت نمی‌کند که قدرت اجتماعی جدید را برای همیشه نابود کرده است بلکه از هم پاشی کامل جامعه کهن بورژوازی را نشان می‌دهد. بالاترین دستاورد قهرمانانه‌ای که هنوز در توان این نظم کهن است، جنگ ملی است. و اکنون ثابت شده است که چنین جنگی خدعه‌ای است تدارک دیده شده از سوی حکومت که تنها هدفش به تعویق انداختن مبارزه‌ی طبقاتی است. خدعه‌ای که به محض آنکه مبارزه طبقاتی به برپایی جنگ داخلی بی‌انجامد. عریان خواهد شد. دیگر حکومت طبقاتی را نمی‌توان در پس یونیفورم ملی پنهان کرد. حکومت‌های ملی علیه پرولتاریا متحد شده اند."

قطعا طبقه کارگر و انترناسیونالیست‌ها در سطح جهانی و در فقدان دخالت طبقه کارگر سوریه، وظیفه بزرگی بر دوش دارند. بر خلاف عوامفریبی‌های چپ سرمایه و به جای خاک پاشیدن به چشمان طبقه کارگر و کشاندن طبقه کارگر به کشتار امپریالیستی، تاکید بر مبارزه مستقل طبقه کارگر، مبارزه طبقاتی یا جنگ طبقاتی، در سطح بین‌المللی، از آفریقا تا اروپا، از آسیا تا آمریکا تنها آلترناتیو برای طبقه کارگر

است. به جای گوشت دم توپ شدن در جنگ گانگسترها، بجای تداوم بربریت، به جای تمکین به نظام کثیف سرمایه‌داری باید در راستای تحقق انقلاب کمونیستی برای پایان دادن به نکبت سرمایه‌داری کوشید.

صدای انترناسیونالیستی

۱ آبان ۱۳۹۸

تماس از طریق تلگرام :

[@internationalists](https://t.me/internationalists)

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل :

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتر سابق) :

https://twitter.com/int_voice